

چون در هم فورده ماه فرانسند مسجی  
هر کس اخبار و اطلاعات مدار الطباعه را بوی  
بفرستد درین روز نامه با سم خود او  
نوشته خواهد شد

### روزنامه علم

قیمت بکطفه بکعبی  
اداء قیمت در چهار قسط  
قیمت اعلان مطری دهشاهی

بقیه اخبار متعلقه با ثبات قوه جاذبه که از مدار سه مدار که دار الفنون  
ببطبعه علمیه فرستاده اند  
مقدار قطبی قطع ناقص در صورتیکه یکی از دو کانون آنرا قطب  
فرض کنیم این است

$$e = \frac{r}{1 + ex}$$

در این معادله به مقدار ثابت و  $x$  بعد خارج مرکز قطع ناقص  
از این معادله استخراج میشود

$$\frac{e}{r} = \frac{1}{r} + \frac{e}{2}$$

و از آنجا

$$\frac{e}{r} + 1 = \frac{1}{r} + \frac{e}{2}$$

و چون این مقدار را در معادله نمره سابق قرار دهیم حاصل میشود

$$f = \frac{r}{2}$$

چون  $r$  که فاصله کویک است از کانون در خارج بقوه دوقیم رسیده  
معلوم میشود که قوه جاذبه به نسبت معکوس مجذور فاصله  
کویک از کانون تغییر می پذیرد حال اگر جوهر ستاره مفروضه را در  
برابر واحد جوهر فرض کنیم قوه که در آن ستاره اثر میکند  $f$  متر  
خواهد بود بنا بر این قوه که از شمس بیستار می رسد نسبت مستقیم دارد  
با جوهر آن ستاره و نسبت معکوس دارد با فاصله آن از  
آفتاب

بنا بر قاعده سیم کیلر قوه وارده از شمس بر یک واحد جوهر ستاره  
در صورت اتحاد فاصله تغییر نمی پذیرد زیرا که اگر محض اختصار  
و سهولت محاسبات مدار ستاره مفروضه را دایره فرض کنیم و مرکز  
کویک را متشابه تصور کنیم مقدار قوه مایل به مرکز  $\frac{1}{r^2}$   
خواهد بود (مجموعه کویک و سرعت آن و  $\frac{1}{2}$  نصف قطر  
دایره با فاصله وسطی کویک است از شمس) حال اگر مدت بگذرد  
انتقالی ستاره را  $\tau$  فرض کنیم حاصل میشود  
نسبت محیط بقطر  $\frac{e}{r} = \frac{1}{2}$   
بنا بر این قوه مایل به مرکز چنین خواهد شد

مجدور نسبت محیط بقطر  $\frac{e}{r} = \frac{1}{2}$

پس قوه وارده بر یک واحد جوهر ستاره در صورت اتحاد فاصله  
این خواهد بود

مجدور نسبت محیط بقطر  $\frac{e}{r} = \frac{1}{2}$

و در واحد فاصله قوه چنین میشود

مجدور نسبت محیط بقطر  $\frac{e}{r} = \frac{1}{2}$

ولی بر فوق قاعده سیم کیلر نسبت مجذورات از مندر و در آن  
مستادات مثل نسبت مکعبات اقطار اطول مدارات آنهاست  
یعنی مقدار  $\frac{e^2}{r^2}$  بجهت تمام ستارات یکی است بنا  
بر این قوه وارده از شمس بر یک واحد جوهر ستاره در صورت  
اتحاد فاصله تغییر نمی پذیرد

از قضیه تساوی فعل و انفعال نتیجه میشود که ستارات نیز  
شمس را بر فوق همین قانون جذب می نمایند و بنا بر این اگر فاصله  
جاذبه فرض کنیم که در واحد فاصله ما بین دو جسم که دارای واحد  
جوهر هستند بر وزن یکدیگر ما بین دو جسم که جوهر آنها  $m$  و  $n$   
باشد مقدار جاذبه  $\frac{m \times n}{r^2}$

خواهد بود که هر دو جسم بکدیگر را به نسبت مستقیم جوهر  
و به نسبت معکوس مجذور فاصله جذب می نمایند  
بقیه در نمره آینه

### بقیه صحبت ساد طبیعی و فیزیکی

ترجمه بهر از کاظم معلم علم طبیعی و شیمی  
فصل سیم در معانی و اخبار ساد طبیعی  
محمود طلا را از کجا پیدا میکنند  
کاظم از زمین  
محمود نقش را  
کاظم از زمین  
محمود آهن را

کاظم از زمین محمود مسود

محمود سبب اشتعال و احتراق آن کرات چیست  
کاظم چنین گمان میبرد که سرعت سپر آنها محدث این حرارتند  
مانند این اشتعال و احتراق باشد زیرا که بعضی از زمین حساب  
کرده اند که این اجرام در هر ثانیه بدست پنج تا چهل هزار ذره  
طی میکنند و هیچ جمعی نیست که در چنین حرکتی بلکه در ابطاً از این  
حرکت مشغول نشود

احمد چرا درین حرکت اجسام مشتعل میشوند  
کاظم زیرا که هر حرکتی محدث حرارتی است و هر قدر حرکت سریع تر  
باشد حرارت شدید تر است و اغلب بواسطه ارتفاع درجه حرارت  
احداث نور هم میشود آنگاه مرکز ملتفت نشدند که از زمین هم آب  
جسته باشد

محمود بلی من مگر در بدام و بخصوص در شب نمایان تر است  
کاظم خیلی خوب باید دانست که از بغل اسب یکپارچه بسیار کوچک  
آهن جدا میشود و بسبب اصطکاک آن بسنگهای زمین و آن پایه  
کوچک آهن با کمال سرعت در هوا حرکت میکند و سرعت حرکت آن  
احداث حرارتی مینماید که آهن در آن حرکت تفتیده و سرخ میشود پس  
تعجب نکنند که اجرام مذکور که در هر ثانیه بدست پنج تا چهل هزار  
ذره مسافت را در فضا طی میکنند محترق شوند  
احمد آقا جان سوال دیگر از شما دارم بفرمایند شهاب و بنازک که  
عوام آنرا بتر شهاب میگویند چه چیزاند

کاظم مرخصاً حالاً خود میخواستم بگویم که چنین گمان میکنند شهاب  
و بنازک عبارات انداز همچنین اجرام و کرات محترقه که ذکر شد و بفرمایند  
آنها را ببلید مینامند ولی یقین درین حدس نکرده اند  
مترجم گوید چون این کتاب بزبان اطفال تالیف شد و درین  
باب خود مؤلف نخواسته است ادله و براهین غامضه و ابرازات  
و اعتراضات را ذکر کند و الا در شهاب و بنازک باین دو کلمه قانع  
نمیکرد  
بسیار در نظر آید

انکشاف حالت شخصی که محترقتر از جمیع اهالی روی زمین است  
بموجب مسطورات و وز نامه لانت بلو  
معتبرترین شخصی که امروز در تمام کره زمین دیده میشود بمثل  
سول است و این شخص را مسلولوی فگور بهر پیدا کرده و بمشاهدات  
و ملاحظه حالات او مبادرت نموده است بمثل سولی بهر آن بکند

کاظم از زمین و بداند که تمام فلزات ماخوذند از زمین  
بعضی در حالت خلوص یعنی بدون اینکه با سایر اجسام ترکیب  
باشند و بعضی در حالت ترکیب با سایر اجسام و همچنین  
سواهی فلزات نمک طعام و زغال سنگ و قاطبه اجزای متنی  
جواهرات و الماس از زمین گرفته میشوند و تمام جنادات که بمباره  
اغری اجسام غیر آلیه نامیده اند و در سطح کره زمین بالندند  
آن موجوداتند موسوم بمعادن اند چنانکه فلزات و اجزای درند  
طعام و زغال سنگ و الماس و امثال آنها هم در شماره

معادن محسوب اند  
محمود پس بنا بر فرض شما هر چیزی را از زمین میگیرند  
کاظم چونکه مسکن ما زمین است توقع دارد که این چیزها  
از کجا غیر از زمین پیدا شوند اما میتوانند گمان کنند که این  
اشیا از آسمان بر زمین افتاده باشند

محمود چه عرض کنم ولی شما بقدری با ما از آسمان گفتگو کرده  
که ما را با ثواب و ستارات آن مانوس نموده اند که هر یک چیز  
از کوکبی بر ما فرود میآید تقریباً متعجب نخواهیم شد  
احمد عجب خیالی کرده

محمود مگر فراموش کرده اند که در روزنامه خواندیم که در پاریس  
در آن عرض نمایی که اکسپوزیسیون میگویند و از هر مملکتی مصنوعات  
و مال التجاره و غیره طبیعی یا تجارته اند و در مسوالات دولت  
مکسک سنگ عظیم سباهی دیده شد که میگفتند از آسمان  
افتاده

کاظم حق بجانب محمود است این سنگ از آسمان افتاده بود  
و از جنس سنگها نیست که بزبان طبیعویون فرانسه آردولیت مینامند  
یعنی سنگ هوایی  
احمد آردولیت که سنگ هوایی ترجمه کردید چیست

کاظم این لفظ تعلق میگیرد به بعضی اجزای معادن که گاهی از  
آسمان بر زمین افتاده اند و همچنین ذاعقیده اینست که بعضی کرات  
مشغله و محترقه در فضا در کمال سرعت حرکت میکنند و بعد از  
سیر کردن بازمادی این کرات در هوا باد در روی زمین منسحق میشوند  
و مفاصل در حالتیکه صدای عظیمی مانند عد بکوش برسانند

و شصت سال عمر کرده و پیرتر از جمیع معین ددی زمین است  
این شخص ادا مالی بگو تا دولت جمهوری سان سالوادرد  
میباشد طریقه زندگانه او بسیار ساده و مختصر از ووی قاعده  
معین خوبست خود بمثل سولی مدعی برانست که دلیل عمد و جهتم  
طول زندگانی او همان طریقه ساده و بقاعده است که در زندگانی  
رکذران خود اختیار نموده است و باز بموجب تقریرات خود او  
در همه که داشته و دارد اینست که روزی یک مرتبه بیشتر غذا بخورد  
و غذای او نیز مختصر است باغذیه مقوی که غذا نیست درستی دارند  
و مقوی میباشند و غذا خوردن او زباده از نیم ساعت طولی کشد  
و در هر ناهای در روز یعنی دو زاول ناه و روز پانزدهم روزه می  
گیرد با این معنی که هیچ غذا نمیخورد اما بقدری که میتواند آب جالس  
میخورد و تمام امتداد عمر او همین سبک و منوال بوده است

شرح کاغذ سازی از خمیره خوب در دولت نروژ نقل از روز  
نامه لانت بلژ

در سنه هزار و هشتصد و شصت و شش الی سنه هزار و هشتصد  
و هشتاد در مالک نروژ کاغذی که از خمیره خوب ساخته اند هر سال  
یکصد ریه تون بوده است (هر تونه تقریباً معادل است با  
دو پست و هشتاد و پنج من تبریز) از سنه هزار و هشتصد و هشتاد  
و یک الی سنه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج آن مقدار رسیده است  
بنالی چهار هزار و ششصد تون و از این سال بعد عمل کاغذ سازی  
از خمیره خوب مستقل و مستمرو و بترتیه بوده چنانکه در سنه هزار  
و هشتصد و هشتاد و شش مقدار کاغذی که در ظرف سال ساخته  
شد دوازده هزار تون بوده و در سنه هزار و هشتصد و هشتاد  
و هفت چهارده هزار و هشتصد تون و اخرا در سنه هزار و هشتصد  
و هشتاد و هشت رسیده است تونوزده هزار تون که قیمت این مقدار  
آخری معادل است با یک میلیون و ششصد و شصت و پنجاه هزار  
در مملکت نروژ تقریباً بیست کارخانه ذمه است که در آنها از خمیره  
بجهت کاغذ ساختن خمیره میسازند

بموجب مسطورات روزنامه سلام یکی از ادارات که در وزارت معاد  
اسلامبول امور آن رو با ایام و نظم درستی نهاده است و اینست که  
کلاسهای عمومی و ترقیاتی که در آن حاصل شده و این نظارت و قافله

از قرار بکه محقق و ثابت شده جناب صبحی پاشا ناظر اوقاف ما اهل طوز  
مراقب اصلاح دایره مذکوره است که نتایج و فواید مراقبت اوقاف  
و محسوس میباشد و ثمرات آن مشهور و بدشود از جمله اشخاصی را که  
از اوقاف موقوفه میسازند همچنین اشخاصی را که آرزو میسازند و <sup>نظایف</sup>  
هفت ماهه که طلبکار بوده اند داده است و این وجوه همان است  
که از حاصلات اوقاف در مواعید معین بدو اموال وارد  
خریبه کرده و نگاهداری نموده تا با اشخاصی که باید برسد برساند  
و بکارهای که باید صرف شود صرف نماید و از کارهای پسندیدنی  
صبحی پاشا یکی اینست که مفتشی برای دایره نظارت اوقاف تعیین  
نموده که در صدد تفتیش حال جمیع دفاتر خزانه و معاملات دایره  
مزبوره و خرج و دخل و صادر و وارده آن باشد و از احوال و  
افعال و مصرف وجوه و در بانقتان مستحضر شود همچنین مراقب  
نماید در تفتیش احوال جوامع و مدارس اسلامی و احوال  
ارباب و وظائفی که در آن جوامع و مدارس میباشند از امانت  
جماعت و مؤذنین و قیامین و مدرّسین و غیرهم و مفتشی مشارالیه  
احمد نعم افندی است که سابقاً نیز اسپیدی اوقاف ملایب بوده  
و فی الحقیقه موی اهل در اتمام و انجام وظایف ماموریت خود  
بوجه مطلوب جدی بلیغ و جهدی کامل نموده است و ابتدا کرده  
بفتیش بنجام کبیر که در نزدیکی مسرت و انرا (بکر جامع) می  
گویند امید بنجام سلطان سلیم پسر از ان بسا هر جوامع و مدارس  
و او هر روزه قبل از طلوع آفتاب شروع میکند بگردش در وجوه  
و مدارس و پیش از ظهر هرگز ماموریت خود مراجعت نمیاید  
و آنچه دیدن است بجناب صبحی پاشا مروض میدارد و جناب پاشا  
الیه بموجب اظهارات اقدام بکارهای لازمه میسازد و اشخاصی که  
در انجام تکالیف و شاغل را جمع بخود احوال و مستی و بکفایت  
نموده اند با در حساب کارخانی که کرده که و زبادی نوشته بر آید  
رفته اند و واجباً آنها را قلع میسازد و اشخاص این کار در این بنجای  
آنها میکند و در میان خود خیر و توفیق دهد تا این کار خیر  
بدرجه کمال رساند

نیز در روزنامه سلام شرحی از فروش زغال در اسلامبول نوشته  
که صورت آن از قرار ذیل است

هر که را وی در دنیا سباه شد از روپاهی آخرت پروانه داد

زیرا که آن که اول زمستان است ما ظلم زغال فروشها را در غیر حق  
 زغال میبینیم که زپاده از حد تقیر است در صورتیکه حالا این  
 طور است العباد باقیه اگر سرناشدت کند و زمستان سخت شود  
 و امتدادی بمجم رسانند و برف زیاد بیاید چگونگی خواهد بود  
 حال فقر و مساکین که در کار قوت و خوراک بومیته خود در مانند  
 میناشند و کجاست آنها با آتش خواهد رسید که خود را گرم  
 کند بر ما موردین بلد است که ملاحظه اینبار غائی و زغال فروشها  
 در آن انبار میکنند بنامند تا بداند که این دو سببها فی  
 الحقیقه بجای زغال مردم آب و خاک و سنگ میفروشند  
 مقصود ما از این گفتار توجیه و سرزنش ما موردین بلد نیست  
 بلکه میخواهیم بگوئیم زغال فروشها او امر حکومتی و انموده  
 میخواهند میکنند و از ما موردین مذکور خواهش میکنیم که یک  
 توجیه و نظری در کار این جماعت نابکار کنند بخصوص بکار  
 آنها که جوال و زندهیل زغال بدوش گرفته برای فروش آن دو کوزه  
 میگردند زیرا که تقلب آنها از انبار دارهای زغال بیشتر است  
 و آن کسانی که از راه بیچارگی از این طایفه زغال میخرند بر حسب  
 عده زیاد تر اند از اشخاصی که از انبار دارها اقیاع مینمانند

بعضی از حکم و امثال و اینها مفید در روزنامه سلام دیده  
 میشود که الحق که موجب تیقظ و بصیرت و آگاهی عموم ناس یعنی  
 مطالعه کنندگان آنما با کمال شعف برخی از آنها را بعد از پیروزی  
 درج مینمایم و از اینجمله است

**(حکم)**

قال بعض الفلاسفة ينبغي للانسان التمسك بالفضيلة لذاتها  
 لا لما يترتب عليها من المنافع الدنيوية فانها بنفسها كافية في سعادة  
 المرء فمن تمسك بالفضيلة فقد تمتع بكامل الراحة ولو احاط به  
 التعب الشديد  
 قال اعرابي فوفت الحاجة خبير من طلبها من غير اهلها  
 قال سولون ليس لنا هاد يهدينا اعظم من العقل فلا نقول  
 شيئا الا بعد استشارته وكان يقول ينبغي للانسان قبل ان يصار  
 انسانا ان يمارسه ويتفكر في شانه لانه من الخطر انقطاع المحبة  
 بعد انفقادها وسئل ذات يوم فيقول له ما الملكة التي بلغت طاعة  
 القباد عن خبرها من الممالك فقال هي التي لم يحصل لاهلها ذل

ولا ظلم وانا حصل لغيرهم ظلم ينتسرون للمظلوم وياخذون حقه مع غايبه  
 الشدة كانهم هم المظلومون

**امثال**

(انك لا تجني من الشوك عنب) يقول اذا ظلمت فاحذر والانتصار فان  
 الظلم لا يكسب الا مثل فعلك (دون ذلك خوط القناد) الخراط  
 فترك الورق عن الشجرة احتذا با بكفك والقناد شجر له شوك امثال  
 الا برضرب الامر ورفه مانع (طرف الفتى نجبر عن صهيرة) قال بعض  
 الحكماء لا شاهد عدله من طرف على قلب وقال الحسين بن مطهر في هذا المعنى  
 وانك في عين الاختلاء عالم بيان التي نجني عليك ضميرها  
 (غاد الامر الى نضابه) يضرب في الامر يتولاه اربابه (ان الحد يد بالجملة  
 بفتح) اي يستعان في الامر الشديد بما يشاكله ويقاربه (احاديث  
 طسم واحلامها) يضرب لمن يجرك بما لا اصل له (دع امرا وما اغتار  
 يضرب لمن لم يقبل وعظك اي اتركه مع اختياره وكله اليه  
 (سوف ترى ويخلى العباد افرس تحتك امتهار  
 اينات جرت امثالا

ان الغرابين تلقاهما محسدة ولا ترى للثام الناس حنادا  
 لا تنقه الانفس عن غيبتها فالر يحن منها لها فاجرا  
 لقد رايتك غرابا و مؤتورا فاعلت اني انت ام ذكر  
 انك كالخارج الى غابة حتى اذا ادركها ناما  
 ان الملول اذا اراد قطيعه مل الوصال وقال كان وكانا  
 والمرء تلقاه مضنعا لفرسته حتى اذا مات امرع ايت القديا  
 ومن عرف الابهام لم يخرقها نبيما ولم يعد تصرفا بلوى  
 كن في الجماعات حيث كانوا فالموت عرض مع الجميع  
 اعلى اعلى وان قصرت فعملى ينفعك على ولا يضر ذك تقصير  
 بالرفق ما دوس ولا ين من حاله وغالظن اذا لم ينفع اللين  
 اخلق بذي الصبر ان يخطى بحاجة ومد لا تصرع للا يواصبان الجبا  
 فقل لمرحي مغال الامور بغير اجتهاد وحيوت المحالا  
 خاطر نفسك لا تنفع بمحجرة فليس تر على عجز بمعذور  
 ان المقادير اذا ساعدت المحقت العاجر بالحازم  
 كل النداء اذا ناديت بخذ لينة الاندائه اذا ناديت بما مال  
 خاب امر و ظل بهر جوان نبال الغنى بالعقل ما عاش في دهر المجانين  
 لا تحقرن مضرب الخبز بقعله بقدر بروي غليل الحاتم الممد  
 اذا اخرجت اكرم تحطى اليك ببعض اصدقاء اللثام  
 عذرس